

■ عوامل و پیامدهای فقدان اسناد دیوانی از سده‌های نخستین اسلامی

علی بیات؛ زینب فضلی

■ چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل تاریخی از بین رفتن اسناد دیوانی دوره‌های نخستین اسلامی و بررسی پیامدهای آن در پژوهش‌های مربوط به آن دوره است.

رویکرد پژوهش: این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای و آرشیوی و با رویکرد تاریخی به بررسی فقدان اسناد دیوانی در سده‌های نخستین اسلامی می‌پردازد.

یافته و نتایج: یافته‌ها نشان می‌دهد که عواملی مانند: فقدان آرشیو به معنای واقعی آن، عدم توجه به اسناد دیوانی به عنوان منبعی برای آگاهی‌های تاریخی، از بین بردن عمده اسناد، عدم توجه به اسناد باقی‌مانده از دوره‌ها و دولت‌های پیشین، جنگ‌ها و شورش‌های داخلی جهان اسلام، حمله‌های نظامی ویرانگر بیگانگان به سرزمین‌های اسلامی، دولتی و سیاسی بودن نهادهای حافظ اسناد دیوانی، ناپایداری دولت‌های اسلامی و عدم وجود امکانات مناسب و بلایای طبیعی، باعث از میان رفتن اسناد در سده‌های نخستین اسلامی شده است و در نتیجه نظریه‌ها، قضاوت‌ها و داوری‌های تاریخ‌پژوهان درباره مسائل مختلف آن دوره به شدت تحت تأثیر قرار گرفته است. بنابراین اهمیت و ضرورت توجه به گردآوری، حفظ و نگهداری اسناد اداری کنونی برای بهره‌مندی آیندگان مورد تأیید قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها

منابع تاریخی/اسناد دیوانی/آرشیو/سده‌های نخستین اسلامی

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و دوم، دفتر اول، (بهار ۱۳۹۱)، ۶۲-۷۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۱۱ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۳/۱۳

عوامل و پیامدهای فقدان اسناد دیوانی از سده‌های نخستین اسلامی

علی بیات^۱ | زینب فضل^۲

طرح مسئله

ماهیت و وثاقت منابع و شواهدی که در یک پژوهش تاریخی مورد استفاده قرار می‌گیرد، از معیارهای مهم و اساسی برای سنجش اصالت، ارزش علمی، و اعتبارسنجی آن به‌شمار می‌رود. همچنین، بازآفرینی هر چه بهتر و کامل‌تر رویدادها و تحولات تاریخی در ادوار مختلف نیز در سایه استفاده از منابع تاریخی اصیل و موثق امکان‌پذیر خواهد شد. امروزه، تاریخ‌پژوهان، با هدف عینیت‌دادن هر چه بیشتر به تاریخ و اعتبار و اصالت بخشیدن به تحقیقات خود، مؤلفه‌های مختلفی را برای تعیین و تبیین اهمیت منابع در نظر دارند. بدین جهت است که مدارک آرشیوی، از لحاظ اهمیت و اعتبار در میان انواع و اشکال مختلف منابع تاریخی، در جایگاه برتری قرار می‌گیرند (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، صص ۶-۷). در واقع، استفاده از اسناد و در دسترس بودن آنها برای پژوهش‌های تاریخی و نگارش تاریخ یک سرزمین و یک دوره، موجب می‌شود تا داوران و قضاوت‌های تاریخ‌پژوهان، از اتقان، استحکام، و اطمینان بیشتری برخوردار باشد. از این رو، امروزه، برای تحقیقات و پژوهش‌های تاریخی، استفاده از اسناد اهمیتی غیر قابل انکار یافته‌است. بر همین اساس، بازخوانی و بازآفرینی مسائل مختلف تاریخ اسلام، مستلزم رجوع به اسناد به‌معنای مصطلح آن (ن.ک. : ادامه نوشتار) و استفاده از این دسته از منابع است.

با وجود اهمیت فوق‌العاده اسناد در مطالعات تاریخی، پژوهشگر مسائل مختلف تمدنی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی سده‌های نخستین اسلامی، به دلیل از میان رفتن قریب

۱. استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی
دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

abayat@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن اسلامی
دانشگاه تهران.

z.fazli@ut.ac.ir

به اتفاق اسناد پدید آمده در این دوره، امکان بهره بردن از این نوع منابع را در تحقیقات خود نمی‌یابد. این در حالی است که از اوایل دوره اسلامی، حکومت‌ها از سازمان اداری قابل توجهی موسوم به دیوان برخوردار بودند. در این نهاد مهم، علاوه بر اینکه اسناد مختلف و متعددی پدید می‌آمد، امکان حفظ و نگهداری آن نیز فراهم می‌شد. در صورتی که اسناد دیوان‌های مختلف دولت‌های اسلامی در سده‌های نخستین اسلامی و حتی قسمتی از آن‌ها باقی می‌ماند، پژوهشگر تاریخ و تمدن اسلامی، حجم قابل توجهی از اسناد را در اختیار داشت. اسنادی که در واقع می‌توان آنها را همتراز منابع آرشیوی امروزی دانست که برای مطالعه و پژوهش تاریخ معاصر استفاده می‌شود (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، صص ۶-۷، ۴۱-۴۴). با توجه به چنین ضرورت‌هایی برای استفاده از اسناد دیوانی در مطالعات مربوط به سده‌های نخستین اسلامی، و از طرفی فقدان کامل این نوع منابع، این سؤال مطرح می‌شود که چه عواملی موجب از میان رفتن و نابودی این اسناد دیوانی شده‌اند؟ و چنین فقدان، در روند کلی و عمومی مطالعه جنبه‌های مختلف تاریخی این دوره، چه پیامدهایی می‌تواند داشته باشد؟ نوشتار حاضر در صدد است با نظر داشت این سؤال‌ها، امکان بحث و بررسی درباره مسئله فقدان منابع اسنادی یا همان اسناد دیوانی مصطلح این نوشتار را فراهم آورد.

تعاریف مفهومی

برای مشخص شدن مفهوم و کاربرد برخی اصطلاحات مهم استفاده شده در این نوشتار، لازم است پیش از پرداختن به مباحث اصلی، به تبیین آنها پرداخته شود:

اسناد دیوانی: این اصطلاح در نوشتار حاضر، به عنوان مترادف اصطلاح اسناد تاریخی یا همان اسناد آرشیوی استفاده شده است. کاربرد چنین اصطلاحی به این دلیل است که از سازمان اداری دولت‌های اسلامی در قرون نخستین اسلامی در منابع تاریخی با عنوان دیوان یا دواین یاد شده است. از آنجاکه برای بیان مفاهیم تاریخی باید زبان رایج و متداول منابع دوره مورد بررسی، مورد توجه قرار گیرد و نیز با توجه به اینکه غالب اسناد در دیوان‌های مذکور پدید آمده و نگهداری می‌شدند، اصطلاح اسناد دیوانی برای اسناد تولید و نگهداری شده در این نهادها استفاده گردید (سوازه، ۱۳۶۶، ص ۱۹؛ کاهن، ۱۳۷۰، صص ۷۰-۷۱؛ قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، صص ۶۵-۶۷؛ بوسه، ۱۳۶۷، ص ۵؛ انوری، ۲۵۳۵، صص ۴-۵؛ تسیه، ۱۳۷۰، ج ۲، صص ۲۲۷-۲۲۸).

سده‌های نخستین اسلامی: دوره زمانی میان ظهور اسلام و به طور اخص از زمان شکل‌گیری نهاد دیوان در خلافت عمر بن خطاب (۱۳-۲۳ق.) تا زمان حمله مغول است. روشن است که بررسی کامل این دوره، آن هم در گستره سرزمینی پهناوری مثل جهان اسلام، در یک پژوهش امکان‌پذیر نیست؛ اما از آنجا که هدف اصلی در این پژوهش ترسیم خطوط



کلی درباره فقدان منابع دیوانی (اسنادی) و ارائه فرضیه‌هایی برای بررسی‌های بیشتر جهت رهیافت به علل و عوامل این پدیده است، و نیز با توجه به کمبود منابع و اطلاعات درباره مسئله و سؤال‌های مطرح شده در این پژوهش، به‌طور تسامحی چنین گستره زمانی و مکانی وسیعی در نظر گرفته شده است.

درآمدی بر روند عمومی شکل‌گیری نهادهای مرتبط با اسناد دیوانی

تأسیس دیوان در خلافت عمر بن خطاب (۱۳-۲۳ق) مبدأ شکل‌گیری نظام دیوانسالاری اسلامی است (ماوردی، ۱۴۰۹، ص ۲۵۹؛ جهشیاری، ۱۳۵۷، ص ۱۱). دولت اسلامی مدینه، بنا بر شرایط و نیازهایی که در نتیجه گسترش فتوحات در خارج از شبه جزیره عربستان با آن روبه‌رو شده بود؛ در صدد برآمد برای مدیریت بهتر کنترل امور مالی و ثبت و ضبط درآمدها و هزینه‌های خود، تشکیلاتی با عنوان دیوان پدید آورد (اجتهادی، ۱۳۶۳، صص ۱۷۰ و ۱۷۲؛ حمیدالله، ۱۳۷۴، ص ۷۲). وظیفه اصلی این دیوان، ثبت و ضبط اسامی، اطلاعات مورد نیاز و آمار اهالی مدینه و به‌طور کلی ساکنان شبه جزیره عرب و نیز افراد شرکت‌کننده در فتوحات، برای تسهیل در پرداخت مستمری به آنها از محل درآمدهای دولتی بود. دیوان‌های مشابهی نیز در مرکز ولایت‌های مهم مثل بصره، کوفه، و فسطاط به‌وجود آمد. با این اوصاف، گام اصلی و اساسی برای ثبت، بایگانی، و نگهداری اسناد و نامه‌های دولتی، در دوره امویان (۴۱-۱۳۲ق) با تأسیس دیوان‌الرسائل و دیوان‌الخاتم برداشته شد (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۳۳۰؛ جهشیاری، ۱۳۵۷، ص ۱۵؛ ثعالبی، ۱۸۶۷، ص ۱۲؛ ابن‌الطقطقی، بی‌تا، ص ۱۱۳). تهیه و تنظیم نامه‌ها و اسناد، بایگانی نسخه‌ای از آنها، بازبینی، مهر، ارسال، و نیز نظارت بر اسناد و جلوگیری از جعل آنها از وظایف اصلی این دو دیوان بود (جهشیاری، ۱۳۵۷، ص ۱۵؛ ثعالبی، ۱۸۶۷، ص ۱۲). از دیوان‌های دیگری که در این دوره فعالیت می‌کردند می‌توان به دیوان برید، دیوان‌الجند، دیوان‌النفقات، دیوان‌الصدقه، دیوان‌المستغلات، و دیوان‌الطراز اشاره کرد که ثبت و ضبط و نگهداری آمار و اطلاعات از جمله وظایف مهم آنها بود. روشن است در صورتی که اسناد این دیوان‌ها و یا حتی بخشی از آنها باقی می‌ماندند و امروزه در دسترس محققان قرار می‌گرفتند، با توجه به ماهیت سیاسی تواریخ اسلامی، در روشن شدن مسائل اجتماعی، جمعیتی، اقتصادی و دیگر تغییر و تحولات مهم این دوره کمک شایانی می‌کردند.

تحول و تکامل دیوان‌سالاری اسلامی در دوره عباسیان شتاب بیشتری یافت و اهتمام بیشتر و بهتری برای ثبت و ضبط و بایگانی کردن اسناد صورت گرفت. بحث درباره چگونگی و کیفیت این تحول و تکامل دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی و اداری این دوره، با توجه به گستره زمانی (۱۳۲-۶۵۶ق) و تعدد دولت‌هایی که به‌صورت مستقل و نیمه مستقل در قسمت‌های

۱. برای چگونگی و کیفیت شکل‌گیری دیوان در دوره عمر بن خطاب ن.ک.: اجتهادی، ۱۳۶۳، صص ۱۶۹-۱۷۵؛ الریس، ۱۳۷۳، صص ۱۳۷-۱۵۹؛ همچنین برای اطلاع درباره بحث اسناد در صدر اسلام ن.ک.: مهدی زاده، ۱۳۷۹، اسفند، ۱۳۸۰، فروردین، ۴۷ به بعد)
Duri, 1991, v. II, p. 323
۲. برای آگاهی اجمالی درباره این دیوان‌ها ن.ک.: Duri, 1991, vol. II, pp. 323-324



۱. تهیه پیش‌نویس اسناد و نامه‌ها مطابق دستور و آماده کردن نسخه نهایی آنها پس از تایید شخص خلیفه یا وزیر از وظایف اصلی این دیوان به شمار می‌رفت. دیوان الرسائل نیز به مانند دیوان الخراج، از مجلس الاسکدار برخوردار بود تا ضمن کنترل نامه‌ها روزی و رسیده، آنها را پس از طبقه‌بندی و فهرست بندی (آرشیو کردن)، در الخزانة العظمی که به امر این اختصاص داشت حفظ و نگهداری نماید (ن. ک.: خوارزمی، ۱۴۰۹، ص ۸۹؛ قلقشندی، ۱۹۳۸، ج ۱، صص ۱۳۵-۱۴۹).

۲. از آنجا که در نهاد مالی، ثبت و ضبط اسناد مربوط به درآمدها و هزینه‌ها از مسائل بسیار مهم به شمار می‌رود و این دیوان نیز در دستگاه عباسیان، نظارت بر مالیات‌های ارضی را بر عهده داشت، در این دیوان، محل و نهاد خاصی برای انجام این امر خطیر تحت عنوان مجلس الاسکدار تأسیس شد که وظیفه داشت اسناد و نیز نامه‌های رسیده و ارسالی را با مشخصات کامل آنها ثبت کرده و نسخه‌های از اسناد دیوان‌های محلی، نسخه‌های از اسناد حدود اراضی، نرخ مالیات نقدی یا جنسی و اقدامات به کاررفته مالیاتی را نگاه دارد (ن. ک.: جاحظ، ۱۴۳۳، ص ۶۱؛ قدامة بن جعفر، ۱۹۸۱، صص ۵۸، ۵۹).

۳. در این دیوان اسناد طبقه‌بندی شده اموال و منابع مالی که به صورت نقدی یا جنسی وارد بیت‌المال می‌شد، نگهداری می‌شد و برای این کار محل‌های (خزائن) خاصی را برای هر کدام از آنها اختصاص می‌دادند. تنظیم و ترتیب ترازنامه‌های سالانه، ماهیانه و گاهی هفتگی نیز از جمله وظایف این دیوان بود (ن. ک.: الدجیلی، ۱۳۷۹، صص ۶۱-۶۶).

۴. این دیوان که مشتمل بر دو بخش مجلس‌التقریر و مجلس‌المقابلیه بود اطلاعات مورد نیاز لشکر مانند برآورد و پرداخت هزینه‌ها طبقه‌بندی (تصنیف) سپاهیان و امور استخدامی و بازرسی را در دفتر خاصی حفظ و نگهداری می‌کرد (قدامة بن جعفر، ۱۹۸۱، صص ۲۱-۲۲).

۵. برای دیوان‌های مختلف دوره عباسیان ن. ک.: مکی، ۱۳۸۲، صص ۲۰۷-۲۱۷.

۶. برای دیوان‌سالاری دولت‌های مستقل و نیمه مستقل این دوره ن. ک.: ابن‌الصیرفی، ۱۴۱۰، صص ۴۶-۴۵، متز، ۱۳۷۳، صص

عوامل مؤثر در از میان رفتن اسناد در سده‌های نخستین اسلامی

همانطور که در سطور پیشین اشاره شد و نمونه‌هایی ذکر گردید مشخص شد که در این سده‌ها، نظام اداری و تشکیلاتی دولت‌های اسلامی، نهادهای خاصی را برای حفظ و نگهداری اسناد پدید آورده بود که از لحاظ کارکرد و وظایف، شباهت‌های زیادی با بایگانی‌ها و آرشیوهای امروزی داشتند. با وجود این، از حجم قابل توجه و انبوه این اسناد، امروزه، جز اوراقی چند و پراکنده باقی نمانده است. عوامل مختلفی در از میان رفتن اسناد در این دوره مؤثر بوده‌اند که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. فقدان آرشیو به معنای واقعی آن: برخی پژوهشگران، نبودن آرشیوهای حقیقی مربوط به شش-هفت قرن اولیه اسلامی را از دلایل اصلی از میان رفتن اسناد دیوانی دانسته‌اند؛ به این معنی که با وجود دیوان‌سالاری قابل توجهی که در سازمان‌های اداری دوره اسلامی وجود داشته، نهاد یا سازمانی همچون آرشیوهای امروزی و به صورت تخصصی به منظور حفظ و نگهداری این اسناد، با اهدافی همچون استفاده از آنها در تحقیق‌ها و پژوهش‌های تاریخی آیندگان

← ۱۶۰۰-۹۵: باسورث، ۱۳۷۸، صص ۶۲-۹۴؛ ایمن فؤاد سید، ۲۰۰۷، صص ۳۴۴-۳۶۰.

۷. (برای نمونه سیاهه‌های اسناد دیوانی ن.ک.: منتجب‌الدین بدیع، ۱۳۸۴؛ بغدادی، ۱۳۸۵؛ و همچنین برای معرفی این دسته از منابع ن.ک.: افشار، ۱۳۶۰، صص ۵۷۵ به بعد).

پدید نیامد (کاهن، ۱۳۷۰، صص ۷۵). اگر ثبت و ضبط و نگهداری اسناد در دیوان‌های مختلف این دوره، از جمله دیوان‌الرسائل یا دیوان‌الانشاء، معادل و مشابه بایگانی‌های رایج امروزی در اداره‌ها و سازمان‌های مختلف در نظر گرفته شود، این فرضیه کاملاً درست خواهد بود. بایگانی‌ها، وظیفه حفظ و نگهداری کلیه اسناد، نامه‌ها و مکاتبات مربوط به روند اداری و جاری یک اداره و سازمان را بر عهده دارند و معمولاً وظیفه‌ای برای نگهداری این اسناد، زمانی که ارزش اداری خود را از دست داده و ارزش تاریخی و تحقیقی پیدامی‌کنند، برای آنها تعریف و مشخص نشده است.^۸ در واقع از این زمان به بعد وظیفه نگهداری این اسناد، بر عهده آرشیوهاست که وظیفه اصلی و اساسی آنها، حفظ و نگهداری اسناد، با بار ارزش تاریخی است. با توجه به این اوصاف، می‌توان گفت که چنین نهادی که به شکل اختصاصی و فراگیر برای حفظ و نگهداری اسناد پدید آمده باشد، به وجود نیامد. بر همین اساس، می‌توان فقدان چنین نهادی را از جمله دلایل اصلی از میان رفتن اسناد در قرون نخستین اسلامی ارزیابی کرد.

۲. عدم توجه به اسناد دیوانی به عنوان منبعی برای آگاهی‌های تاریخی: در بررسی

عوامل مؤثر در از میان رفتن اسناد دیوانی، می‌توان این فرضیه را هم مطرح کرد که یکی از عوامل اصلی این پدیده در بطن اندیشه تاریخ‌نگاری دوره اسلامی وجود دارد. در دوره شکل‌گیری سنت تاریخ‌نگاری اسلامی، استناد مفهوم و ویژگی‌های خاص خود را داشت؛ به این معنی که در این دوره، با وجود آنکه حجم قابل توجهی از اسناد دیوانی در دستگاه دیوان‌سالاری دولت‌های اسلامی تولید می‌شد، از سند (جمع آن اسناد) و اسناد، بیشتر توجه به سلسله‌روایان یعنی، مفهوم حدیثی آن، فهمیده می‌شد؛ Robson, 1997, v. IV, p. 207; Robson, 1986, v. III, pp. 23-29, سوازه، ۱۳۶۶، صص ۳۲-۳۵؛ سزگین، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۹۷-۱۲۲، ۳۵۷-۳۶۳؛ سجادی، عالم‌زاده، ۱۳۸۰، صص ۳۷-۴۲، ۷۱-۷۲). مفهوم نقد اسناد هم بیشتر به بررسی و جرح و تعدیل شخصیت روایان یا همان اسناد حدیث اختصاص پیدا کرده بود (سوازه، ۱۳۶۶، صص ۳۲-۳۵؛ Robson, 1991, v. II, p. 462). بدون شک، این برداشت و مفهوم از اسناد و استناد، خود دلیلی بود تا تاریخ‌نگاران بیشتر به مفهوم حدیثی آن توجه کنند و در مقابل، به منابع معتبری مثل اسناد دیوانی و مکتوب اهتمام کمتری بورزند. این مسئله به طور آشکار، در گفته ابوالفضل بیهقی منعکس شده است؛ به گفته وی «اخبار گذشته را دو قسم گویند که آنرا سه دیگر نشناسند. یا از کسی بیاید شنید و یا از کتابی بیاید خواند...» (بیهقی، ۱۳۲۴، صص ۹۰۴).

توجه به این گزاره بیهقی، خود نشان‌دهنده برداشت قریب به اتفاق مورخان دوره اسلامی از مفهوم سند و استناد است. این نوع برداشت، سبب شد تا حدود زیادی مورخان، به عنوان پاسداران اصلی تاریخ و نیز منابع تاریخی، توجه کمتری به حفظ اسناد دیوانی و سرنوشت این اسناد داشته

۸. برای تفاوت‌های میان بایگانی و آرشیو ن.ک.: عراقی فدایی، ۱۳۷۷، صص ۲۸-۲۹.



باشند. با وجود اینکه استناد کردن به شیوه فوق، شیوه غالب و فراگیر در تاریخ‌نگاری دوره اسلامی است؛ نباید فراموش کرد که وجود سیاهه و رونوشت انواع سندها، نامه‌ها، مکاتبه‌های اداری، و بیانیه‌های رسمی در برخی آثار تاریخی، نشان‌دهنده توجه گروهی از مورخان به اسناد دیوانی است؛ هر چند که در اکثر موارد، متن بسیاری از این اسناد نیز بیشتر از طریق نقل، به دست مورخان رسیده است و تنها تعداد اندکی از مورخان، بخت و امکان دسترسی به اسناد دیوانی و استفاده مستقیم از آنها را برای نگارش آثار خود داشته‌اند (آل داود، ۱۳۸۱، ص ۵۶؛ سوازه، ۱۳۶۶، ص ۳۸؛ Rosenthal, 1968, pp. 118-123).

۳. از بین بردن عمدی اسناد: تحولات سیاسی و دست به دست شدن قدرت، سبب می‌شد دولت نوین و حاکمان تازه به دوران رسیده که بیشتر مواقع از نظر سیاسی، مذهبی، خاستگاه اجتماعی، اقتصادی و قومی قبیله‌ای با حکومت پیشین در تعارض و یا تضاد قرار داشتند؛ نه تنها تمهیداتی برای حفظ اسناد دیوانی-اداری دولت سابق نیندیشند، که نسبت به از میان بردن آنها نیز اقدام کنند. همین امر را می‌توان از عوامل مهم و اصلی از میان رفتن اسناد در سده‌های نخستین اسلامی دانست. نمونه بارز چنین مواجهه‌هایی را می‌توان در برخورد سلطان محمود غزنوی با کتابخانه آل بویه در ری مشاهده کرد (یاقوت حموی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۶۲). «خزانه الکتب» فاطمیان در قاهره نیز که ظاهراً بزرگترین کتابخانه زمان خود به شمار می‌رفت (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۹۲). پس از سقوط این دولت و روی کار آمدن صلاح‌الدین ایوبی (۵۶۷ق.) مورد تاراج قرار گرفته و نابود گردید (أبوشامه، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۳۷؛ ابن‌واصل، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۰۳؛ مقریزی، ۱۹۷۳، ج ۳، ص ۳۳۱). با توجه به اینکه ایوبیان نمی‌خواستند حتی خاطره‌ای از فاطمیان باقی بماند، می‌توان احتمال داد که علاقه‌ای به حفظ و نگهداری بایگانی‌های اسناد و مدارک آنها نیز نداشته‌اند (واکر، ۱۳۸۳، ص ۱۴۶). علاوه بر این، برخی صاحب‌منصبان دولتی و نیز در مواقعی افراد متنفذ، بنا بر اهداف و اغراض مختلف، نسبت به محو و از میان بردن اسناد اقدام می‌کردند. به عنوان نمونه، امین خلیفه عباسی (حک. ۱۹۳-۱۹۸ق.)، پس از اینکه برادرش مأمون را از ولایت عهدی خلع کرد، اسنادی را که نشان می‌داد بنا بر درخواست پدرشان هارون الرشید (د. ۱۹۳ق.)، پس از وی باید مأمون بر مسند خلافت تکیه بزند، از میان برد (طبری، ۱۳۸۷، ج ۸، صص ۴۳۸-۴۳۹). همچنین بیهقی (د. ۴۷۰ق.) به از میان برده شدن عمدی تعدادی از اسنادی که نزد وی بوده اشاره کرده و تأکید می‌کند که «اگر کاغذها و نسخه‌های من همه بقصد ناچیز نکرده بودندی این تاریخ از لونی دیگر آمدی، حکم الله بینی و بین من فعل ذلک» (بیهقی، ۱۳۲۴، ص ۳۸۱).

۴. بی‌توجهی یا کم‌توجهی نسبت به اسناد باقی‌مانده از ادوار یا دولت‌های پیشین: در مواردی نیز که بحث از میان بردن عمدی اسناد دیوانی مطرح نبود، بی‌توجهی و یا

۱. تعدادی از اسناد مربوط به دیوان‌الانشاء دوره فاطمیان در میان مجموعه اسناد جنبه قاهره است. مجموعه اسناد جنبه مشتمل بر تعداد قابل توجهی از اسناد مربوط به جامعه یهودیان دوره‌های فاطمی و ایوبی است که به زبان عربی و به خط عربی نوشته شده‌اند. این گنجینه در سال ۱۸۹۰ م. و به هنگام بازسازی یک کنیسه قدیمی در قاهره کشف شد (برای آگاهی بیشتر در این باره ن. ک.: منفرد، ۱۳۸۲، ص ۵ به بعد؛ دفتری، ۱۳۷۵، صص ۱۷۶-۱۷۷؛ واکر، ۱۳۸۳، صص ۱۴۶-۱۴۸).



کم توجهی به حفظ اسناد دیوانی خود عامل دیگری در از میان رفتن این دسته از اسناد به‌شمار می‌رفت. زمانی که دولتی روی کار می‌آمد از یکسو، اسنادی که در دوره دولت سابق در مراکز و ایالات مختلف، باقی مانده بود به‌طور یکسان مورد توجه و اهتمام قرار نمی‌گرفت و از سوی دیگر، حکومت جدید نیز ظاهراً دلیلی برای حفظ اسناد و مدارک حکومت قدیم نمی‌دید (واکر، ۱۳۸۳، ص ۱۴۶؛ رایبسن، ۱۳۸۹، ص ۲۵۲). معمولاً، به‌جز اسنادی که بنا بر اهداف مختلف سیاسی، اقتصادی و ... اهمیت داشتند، بقیه اسناد مورد بی توجهی و کم توجهی قرار می‌گرفتند. این مسئله نیز از عواملی است که سبب تسریع در از بین رفتن و نابودی اسناد شده است.

۵. جنگ‌ها و شورش‌های داخلی جهان اسلام: طی این قرون، پیوسته تحولات سیاسی زیادی در سراسر جهان اسلام در جریان بود. نیروهای مختلف و متعدد سیاسی مذهبی در صدد دست یافتن به قدرت و یا توسعه قلمرو تحت فرمان خود بودند. از این رو، سراسر تاریخ اسلام در طی این دوره شورش‌ها، آشوب‌ها، و جنگ‌های فراوانی میان این نیروهای متخاصم در جریان بود. به‌طور قطع و یقین در طی تحولاتی که معمولاً با خشونت و جنگ همراه بود، به بسیاری از دستگاه‌ها و نهادهای دولتی، به‌ویژه دیوان‌های حکومتی دولت‌های متخاصم آسیب‌های جدی وارد می‌شد و از این رو، اسناد دیوانی نیز در فرایند و روند چنین تحولاتی دستخوش نابودی و تاراج قرار می‌گرفت؛ یا حداقل توجه لازم برای حفظ و نگهداری آنها صورت نمی‌گرفت و با چنین بی توجهی‌هایی زمینه نابودی اسناد دیوانی فراهم می‌شد (قائم مقامی، ۱۳۴۵، ص ۲۷۱). از جمله چنین حوادثی که منجر به از میان رفتن اسناد شد می‌توان به واقعه ذی‌الجمجم اشاره کرد (۸۳ ق.). در این سال در جنگ‌هایی که میان عبدالرحمن بن اشعث و حجاج بن یوسف ثقفی واقع شد، تمام دفاتر و اسناد دیوانی در آتش سوخت (بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۲۶۸؛ ماوردی، ۱۴۰۹، ص ۲۵۱). با توجه به موارد مذکور، می‌توان گفت که جنگ‌ها و درگیری‌های داخلی میان دولت‌های مختلف مسلمان و در نتیجه حمله به مراکز دولتی دیوانی خواه‌ناخواه خزانه‌های مربوط به اسناد دیوانی از میان می‌رفت و این امر یکی از عوامل مهم و عمده از میان رفتن اسناد در قرون نخستین اسلامی است.

۶. حمله‌های نظامی ویرانگر بیگانگان به سرزمین‌های اسلامی: در طول قرون نخستین اسلامی، سرزمین‌های اسلامی با حمله‌های مختلفی از شرق و غرب جهان اسلام روبرو شد. این حمله‌ها بیشتر از سوی اقوامی صورت می‌گرفت که از لحاظ فرهنگی و تمدنی به مراتب از مسلمانان پایین‌تر بودند. در نتیجه، بسیاری از آثار و گنجینه‌های فرهنگی تمدنی مسلمانان در سرزمین‌هایی که از سوی چنین اقوامی مورد تهاجم و تاراج قرار می‌گرفت، به‌طور کامل از میان می‌رفت و طعمه آتش و ویرانی می‌شد. مراکز دولتی و دیوان‌هایی که بایگانی و حفظ اسناد

دیوانی را بر عهده داشتند، از جمله محل‌هایی بودند که در این نوع حمله‌ها دستخوش نابودی می‌گردید. از جمله مهمترین این حمله‌ها می‌توان به هجوم غزها به خراسان (نیشابور و غزنه) راوندی، ۱۳۴۶، ص ۱۸۰؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۵، ص ۳۳۲؛ حافظ ابرو، ۱۳۴۹، ص ۶۳؛ جنگجویان صلیبی به مناطق قابل توجهی از سرزمین‌های غرب جهان اسلام؛ و به خصوص حمله ویرانگر مغول اشاره کرد که گستره ویرانی آن، نیمی از جهان اسلام را در بر گرفت. به عنوان نمونه، صلیبیان، برای تصرف اموال و املاک مردم معره واقع در شام، تمامی اسناد موجود را از ساکنان آنجا گرفته بودند (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص ۵۲؛ عبدالجبار عبدالمؤمن، ۱۳۸۳، ص ۴۳).

۷. دولتی و سیاسی بودن نهادهای حافظ اسناد دیوانی: بیشتر نهادهای سیاسی، مذهبی، اجتماعی، فرهنگی، و تمدنی که در جهان اسلام پدید آمدند، یا به طور کامل دولتی و یا به شدت به حمایت و پشتیبانی دولت وابسته بودند. بر همین اساس، بسیاری از نهادهای مرتبط با تولید و نگهداری اسناد نیز از این قاعده مستثنا نبودند (سوازه، ۱۳۶۶، ص ۲۳). در اروپای قرون وسطی، نهادهای اجتماعی مثل کلیساها، خاندان‌های فئودال و بازرگانان با دقت اسنادی را که برای حفظ منافع خود لازم و ضروری می‌دانستند، در محل خاصی موسوم به «خزینة قراردادها» نگاه می‌داشتند (سوازه، ۱۳۶۶، ص ۲۳). حال آنکه، در سرزمین‌های اسلامی، فقط نهادهای سیاسی و دستگاه‌های حکومتی مثل دیوان‌های مختلف، ساختار تشکیلاتی و اداری دولت‌ها به امر ثبت و نگهداری اسناد می‌پرداختند. از یکسو، دیوان‌های قضا، حسبه، مالی هیچگونه رسید و سندی را در مقابل مالیات و یا اموالی که به هر عنوان از مردم دریافت می‌کردند و یا احیاناً به آنها واگذار می‌کردند، ارائه نمی‌دادند؛ از سوی دیگر، در صورت ارائه چنین سندی نیز، مردم چنین وظیفه‌ای را برای خود متصور نبودند که به حفظ آن پردازند و یا مردم نیاز و دلیلی برای نگهداری اسناد، نزد خود احساس نمی‌کردند. تنها در برخی نهادهای اجتماعی مانند مساجد، مدارس و دیگر نهادهایی که موقوفه‌ای بودند، وقفنامه‌ها و برخی اسناد دیگر که برای آن مجموعه لازم و کاربردی بود حفظ و نگهداری می‌شد. چنانکه برخی اسنادی هم که از ادوار پیش از حمله مغول باقی مانده، از این نوع اسناد و بیشتر وقفنامه‌ها هستند که البته در مواردی هم به صورت کتیبه باقی مانده‌اند. نکته قابل توجه درباره اسناد از نوع وقفنامه‌ها، این است که به علت ماهیت اجتماعی و تقریباً غیر سیاسی این نوع اسناد، در مقایسه با اسناد دواوین دیوانی دولتی، و نیز از آنجا که دوره اعتبار آنها، طولانی‌تر بود یعنی تا زمانی که موقوفه‌ها ارزش و اعتبار داشتند و وقفنامه‌ها به عنوان اساسنامه آنها مورد استفاده قرار می‌گرفت حفظ و نگهداری آنها لازم و ضروری بود. به همین دلیل است که این اسناد باقی مانده و دارای قدمت‌اند. همچنین، از آنجا که این نوع اسناد به نهادهای اجتماعی و غیردولتی تعلق داشتند از خطراتی که اسناد دولتی را تهدید می‌کرد مثل نابودی به دست

حکومت‌های بعدی یا آشوب‌ها، در امان مانده و کمتر آسیب می‌دیدند. البته نباید فراموش کرد که طول دوره‌ای که این اسناد ارزش جاری داشتند، طولانی‌تر بوده است.

۸. ناپایداری دولت‌های اسلامی: شاید بتوان یکی دیگر از دلایل فقدان منابع دیوانی در قرون اولیه اسلامی را در این مهم دانست که بیشتر دولت‌های اسلامی ناپایدار بودند (آل داود، ۱۳۸۱، ص ۵۶). جز دولت عباسی که بیش از ۵ قرن استمرار داشت (۱۳۲-۶۵۶ ق.)، و البته تمامی خزائن و گنجینه‌های مادی و معنوی گرد آمده آن در طی چند سده، از جمله اسناد باقی مانده در دیوان‌های مختلف، در حادثه سقوط بغداد به دست مغولان (۶۵۶ ق) در ظرف چند روز به تاراج و یغما رفت و تقریباً به‌طور کامل نابود شد (جوینی، ۱۳۸۵، ج ۳، صص ۲۲۸-۲۹۰). دولت‌هایی که در مناطق مختلف جهان اسلام روی کار آمدند، هر کدام چند صباحی بیشتر دوام نداشتند؛ همین مسئله موجب شد تا با جایگزین شدن یک حکومت با دولتی دیگر بسیاری از اسناد دیوانی در دولت پیشین در نتیجه این تحولات سیاسی که در بیشتر موارد با جنگ‌های خونین و ویرانی‌های زیادی همراه بود از میان بروند. در این میان، با توجه به استمرار دولت عثمانی تا قرن چهاردهم هجری/اوایل قرن بیستم، قسمت قابل توجهی از اسناد و مدارک دیوان‌های امپراتوری عثمانی باقی مانده است (تیموری، ۱۳۷۰، ص ۶۹۷؛ آل داود، ۱۳۸۱، ص ۵۶).

۹. عدم وجود مکان‌ها و امکانات مناسب و بلایای طبیعی: یکی از فرضیه‌هایی را که برای از میان رفتن اسناد دیوانی در قرون نخستین اسلامی می‌توان مطرح کرد این است که به احتمال زیاد، مکان‌هایی که به‌عنوان خزانه یا با عنوان دیگر برای بایگانی و نگهداری اسناد دیوان‌های مختلف استفاده می‌شد، ویژگی‌ها، امکانات، و شرایط لازم را برای این مهم دارا نبودند. به‌عنوان مثال، از استحکام لازم برخوردار نبودند و به‌راحتی در مقابل حوادث و بلایای طبیعی مثل سیل، زلزله و مانند آن تخریب شده و حجم قابل توجهی از این نوع مدارک و اسناد نیز در نتیجه این نوع پیشامدها از میان می‌رفت. به‌عنوان نمونه، شهر بغداد که بیش از پنج قرن، به‌عنوان مرکز خلافت عباسیان به‌شمار می‌رفت، بارها در معرض سیل قرار گرفت تا جایی که در جریان وقوع سیل‌های متعدد در سال‌های قرن هفتم هجری در این شهر ساختمان‌های زیادی ویران شدند (Duri, 1986, vol. I, p. 902). اسناد پاپیروسی که در مصر و از قرون نخستین اسلامی به‌دست آمده است در واقع به سبب گرم و خشک بودن این سرزمین و عدم وجود رطوبت باقی مانده‌اند.

پیامدهای فقدان منابع دیوانی در مطالعات مربوط به سده‌های نخستین اسلامی
بازآفرینی و تبیین وقایع و تحولات مختلف تاریخی، به شکلی که روی داده و یا حداقل نزدیک

به آن، هدفی است که معمولاً برای علم تاریخ و پژوهشگران تاریخ، ذکر می‌شود (کار، ۱۳۷۸، ص ۳۳؛ استفورد، ۱۳۸۲، صص ۱۱۶-۱۱۷؛ زرین کوب، ۱۳۸۳، ص ۱۹). از آنجا که اساس مطالعات تاریخی، بر منابع و مآخذ استوار است، نوع و اعتبار منابع، برای دست یافتن به هدف مذکور، اهمیت زیادی پیدا می‌کند. از این رو، وجود منابع و شواهدی که گواه صادق گذشته باشند و پرده از روی واقعیت و حقیقت رویدادها بردارند و دستیابی محقق تاریخ را به‌چنین مطلوبی بهتر و بیشتر امکان‌پذیر سازند، اساس هر مطالعه تاریخی به‌شمار می‌روند (استفورد، ۱۳۸۲، صص ۱۰۷-۱۱۲؛ ۱۳۸۴، ص ۲۳۵؛ تسبیح، ۱۳۷۰، ج ۲، صص ۲۲۷-۲۲۸). امروزه، در میان انواع و اشکال مختلف منابعی که در مطالعات تاریخی به آنها رجوع و استناد می‌شود، اسناد و مدارک آرشیوی، یا همان اسناد دیوانی مصطلح در این نوشتار، به دلیل آنکه در متن رویدادها پدید آمده و در جریان عینی وقایع تولید شده‌اند و با زمان و رویدادی خاص و حقیقی (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ص ۶) در ارتباط‌اند و حقایق را به‌طور زنده بیان می‌کنند (کاهن، ۱۳۷۰، ص ۷۰)؛ در مقایسه با دیگر منابع، اصالت و اعتبار بیشتری دارند (استفورد، ۱۳۸۲، ص ۱۰۸). این اسناد، در برگیرنده اطلاعات مستقیم و به‌ویژه بدون جهت‌گیری هستند؛ بر خلاف متون تاریخی، که به دلایل مختلفی مانند وجود اغراض شخصی و غیر شخصی مختلف، و نیز ده‌ها سال بعد از وقوع وقایع نگاشته شده‌اند و دستخوش تغییر و احیاناً تحریف شده‌اند و کمتر واقع‌نما هستند (سواژه، ۱۳۶۶، ص ۱۹؛ قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ص ۶؛ یزدانی، ۱۳۸۰، ص ۱۶؛ چوکسی، ۱۳۸۵، ص ۱۷). از این رو، درک و فهم تحولات هر دوره تاریخی، جز با مراجعه به اسناد رسمی آن روزگار، که برای آگاهی تاریخی ارزشمندترین مآخذ به‌شمار می‌رود، امکان‌پذیر نخواهد بود (حمیدالله، ۱۳۷۴، ص ۷۲؛ بوسه، ۱۳۶۷، ص ۵).

بنابر آنچه در سطور پیشین ذکر شد، اگر اسناد دیوانی سده‌های نخستین اسلامی باقی می‌ماندند، نه تنها سبب می‌شد تاریخ‌پژوهان، مطالعات خود را درباره این قرون بر پایه‌های محکم و منابعی موثق مستحکم بنا کرده و داوری‌ها و قضاوت‌هایشان از اتقان و اطمینان بیشتری برخوردار گردد (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ص ۷)؛ که فواید و مزایای فراوان دیگری هم در برداشت که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. در دسترس بودن اسناد دیوانی، این امکان را فراهم می‌آورد تا بسیاری از حوادث یا حقایق مربوط به رویدادهای تاریخی هر دوره، که به هر دلیلی منابع کتابی آگاهی‌چندانی درباره آنها به دست نمی‌دهند و یا احیاناً مبهم و مسکوت باقی گذاشته‌اند، تا حدود زیادی روشن و آشکار گردند.

۲. دسترسی به اسناد دیوانی زمینه بهتری را برای نقد، بررسی، تصحیح، تعدیل یا تثبیت گزارش‌ها و آگاهی‌های موجود در آثار و منابع رسمی و کتابی فراهم می‌آورد (افشار، ۱۳۸۲، بهار

و تابستان، ص ۱۳۹؛ قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ص ۹؛ تسبیح، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۶۵).
۳. از آنجا که تواریخ رسمی و سیاسی در دوره اسلامی کمتر به گزارش وضع لایه‌ها، طبقات، و گروه‌های اجتماعی پرداخته‌اند و اکتفا به این منابع، پژوهش درباره مسائل اجتماعی در جوامع اسلامی را با تنگنای کمبود و در بیشتر موارد عدم اطلاعات روبه‌رو می‌سازد؛ بهره‌مندی از اسناد دیوانی می‌تواند این کمبودها و فقر اطلاعات را جبران کند (زرین کوب، ۱۳۸۳، ص ۸۸).

۴. امروزه، در مطالعات تاریخی، بحث اقتصاد و اوضاع و تحولات اقتصادی یک جامعه، منطقه، کشور، و سرزمین به دلیل آنکه تأثیرات بسیار عمیق و تعیین‌کننده‌ای در تغییرات و تحولات جوامع در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و حتی دینی و اعتقادی دارد؛ توجه به این مؤلفه مهم در دستور کار مورخان قرار گرفته است. اهمیت اسناد از این حیث است که متقن‌ترین و دقیق‌ترین اطلاعات مربوط به امور اقتصادی را دارا هستند و هیچ تحقیقی بدون استفاده از این دسته از منابع به‌سامان و نتیجه مطلوب نخواهد انجامید.

۵. برای آگاهی از روابط هر دولتی با دولت‌های معاصرش شواهدی مانند اسناد شامل نامه‌ها، عهدنامه‌ها، و قراردادهای سیاسی و اقتصادی، معتبرترین و اصیل‌ترین منبع به‌شمار می‌روند و مطالعات مربوط به قرون نخستین اسلامی نیز از این قاعده برکنار نیست.

با وجود چنین فوایدی برای اسناد در مطالعات تاریخی، به دلیل فقدان آنها، تقریباً هر مطالعه‌ای درباره تاریخ اسلام در قرون نخستین، با دشواری‌ها و تنگناهای زیادی روبه‌روست (کاهن، ۱۳۷۰، ص ۷۱؛ واکر، ۱۳۸۳، ص ۱۴۵؛ سوازه، ۱۳۶۶، ص ۱۹)؛ به‌ویژه زمانی که پژوهشگر این دوره، در برخورد با نوشته‌ها و گزارش‌های مورخان، جهت‌گیری‌ها و حب و بغض‌های آنها را از نظر دور نداشته و پذیرفتن کامل آنها با شک و تردید همراه باشد بدون تردید، وجود اسناد دیوانی، که دربرگیرنده اطلاعات مستقیم و بدون جهت‌گیری و خالی از شایعه دروغ، تظاهر، اغراض خصوصی و ملاحظه‌کاری‌ها بودند در رد و قبول و تصحیح و تکمیل داده‌های منبع کتابی نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا و امکان درک و فهم اشتباهات، پرده‌پوشی‌ها، مجعولات، گزافه‌گویی‌ها، و نیز ملاحظه‌کاری‌های برخی از مورخان را فراهم می‌کرد (سوازه، ۱۳۶۶، ص ۱۹؛ قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، صص ۶-۷). همچنین، نامه‌ها، عهدنامه‌ها، صلح‌نامه‌ها، و قراردادهای دولت‌های اسلامی با مردمان و حکومت‌های سرزمین‌های دیگر که اغلب در منابع کتابی آمده‌اند؛ همگی مبتنی بر نقل و گزارش مورخان درباری است و نمی‌توان به‌طور کامل اعتماد کرد و ارزش و اعتبار آنها، با اصل اسناد قابل مقایسه نیست. بنابراین، طبیعی است که تاریخ‌پژوهان با این نوع اسناد گزارشی در کتاب‌ها، مانند گزارش‌های دیگر مورخان برخورد نموده و احتمالاتی همچون جهت‌گیری مورخ، تحریف، جعل و احیاناً

فراموشی قسمتی از سند را از نظر دور ندارند (صفری فروشانی، ۱۳۷۹، ص ۵۰).

بی تردید، طیف قابل توجهی از مورخان سده‌های نخستین اسلامی، در ثبت و ضبط رویدادهای اسلامی به دلایل مختلفی مانند نقلی و شفاهی بودن منابع اطلاعاتی، گرایش‌های خاص سیاسی، مذهبی و عقیدتی، قومی و قبیله‌ای و مسائل متعدد دیگر، دخل و تصرفاتی به وجود آورده و به گزارش تاریخ و رویدادهای تاریخی با تفاسیر و برداشت‌های خاص خود پرداخته‌اند (سواژه، ۱۳۶۶، صص ۲۹-۳۲؛ کاهن، ۱۳۷۹، ص ۱۴۳؛ تیموری، ۱۳۷۰، ص ۷۲).

علاوه بر این، آگاهی‌های تاریخی که در منابع کتابی یافت می‌شود، اگر نگارنده آن کاملاً فرد منصفی هم بوده باشد و گرایش‌ها و عقاید شخصی‌اش را در گزارش رویدادها دخالت نداده باشد، در بهترین حالت، معرفت و آگاهی به دست آمده از زاویه ذهن آن مورخ خواهد بود (کار، ۱۳۷۸، ص ۳۲). از این رو، اگر اسناد دیوانی قرون اولیه اسلامی باقی می‌ماندند، با انعکاس و بیان بسیاری از واقعیات تاریخی (عراقی فدایی، ۱۳۷۷، ص ۳۶)، علاوه بر اینکه تاریخ‌پژوهان را در درک و فهم درست رویدادهای آن دوره‌ها یاری می‌رساندند، بلکه آنها را به‌هنگام تفسیر و تبیین وقایع تاریخی، از محصور ماندن در چارچوب بینش خاص مورخان درباری آن دوره، به‌ویژه در مورد بسیاری از مسائل مهم و حساس تاریخی رها می‌ساخت.

از جمله تنگناهایی که در پژوهش درباره مسائل مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در پیش روی پژوهشگر قرار می‌گیرد این است که تواریخ رسمی معمولاً از دید فاتحان و غالبان نوشته شده است (چوکسی، ۱۳۸۵، صص ۲۱-۲۳؛ کار، ۱۳۷۸، ص ۳۲). این در حالی است که درک و فهم صحیح تاریخ و مسائل تاریخی، مستلزم رجوع به منابعی است که به‌درستی به انعکاس بی‌طرفانه و بی‌کم و کاست اطلاعات مربوط به رویدادها و تحولات تاریخی پرداخته باشند. از این رو، اکتفا کردن به تواریخ رسمی، از لحاظ معرفت‌شناسی و روش‌شناسی تاریخی، رهیافت اصولی به بسیاری از مسائل و حقایق تاریخی را با مشکلات اساسی روبه‌رو ساخته و حتی اعتبار بسیاری از داورهای درباره افراد، شخصیت‌ها، و رویدادها را با تردید جدی روبه‌رو ساخته است. همین امر خواه ناخواه، توجه را به سوی منابعی از نوع دیگر متوجه می‌سازد (اشپولر، ۱۳۷۹، ج ۱، صص ۱۴-۱۵) که می‌توان از آنها با عنوان شواهد عینی یاد کرد. بی‌شک اسناد دیوانی، به‌عنوان شواهد کتبی^۱ معتبر و اصیل، - در صورتی که در دسترس بودند - به‌عنوان برجسته‌ترین شواهد و قراین از نوع شواهد عینی، بسیاری از تنگناهای از این دست را مرتفع می‌ساختند؛ مطلبی که با از میان رفتن کامل اسناد دیوانی قرون نخستین اسلامی، به‌طور کامل منتفی شده است.

یکی از مشکلات جدی و اساسی تحقیق درباره تاریخ اجتماعی جوامع مسلمان، به‌ویژه در سده‌های نخستین اسلامی، فقر اطلاعاتی کتاب‌های تاریخی درباره اوضاع اجتماعی،

۱. «شواهد کتبی آن دسته از شواهدی هستند که از راه نوشته منتقل شوند» (ذن، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۷).



فرهنگی و اقتصادی، وضعیت معیشتی، و زندگی مردم در متن جوامع آن روز است (سوازه، ۱۳۶۶، صص ۴۱-۴۲). امکان بهره‌مندی از اسناد دیوانی، آگاهی‌های ارزشمندی را از این جنبه‌های حیات تاریخی سده‌های نخستین اسلامی به دست می‌داد.

نتیجه‌گیری

دلایل مختلفی در از میان رفتن اسناد دیوانی دوره مورد بحث نقش داشتند. در این دوره، نه تنها آرشیو به معنای واقعی و امروزی وجود نداشت، بلکه اندیشه توجه به اسناد دیوانی، به عنوان منبعی اصیل برای آگاهی‌های تاریخی نیز چندان مطرح نبود. علاوه بر این، در این دوره، نه تنها به حفظ و نگهداری اسناد دیوانی توجه بایسته صورت نمی‌گرفت، در موارد زیادی نیز این نوع اسناد به صورت عمدی و آگاهانه از بین برده می‌شد. جنگ‌ها، ستیزه‌ها، و شورش‌های مداوم و یورش‌های همه جانبه بیگانگان به سرزمین‌های اسلامی نیز تأثیر زیادی در از میان رفتن این نوع اسناد داشتند. عوامل دیگری چون دولتی و سیاسی بودن نهادهای حافظ اسناد در این دوره، ناپایداری دولت‌های اسلامی، و نیز عدم امکانات مناسب برای نگهداری طولانی مدت اسناد موجب شده‌اند تا امروزه از حجم انبوه اسناد دیوانی تولید شده در نظام دیوان‌سالاری قرون نخستین اسلامی، سندی در دسترس نباشند. اگر اسناد دیوانی سده‌های نخستین اسلامی و یا حداقل بخشی از آنها باقی می‌ماندند، به طور قطع، رهیافت به بسیاری از مسائل مجهول تاریخی این دوره تسهیل می‌شد؛ به ویژه مسائل اجتماعی که منابع کتابی موجود، به علت ماهیت سیاسی‌شان، حداقل اطلاعات را در این باره به دست می‌دهند. از آنجا که اسناد، در مقایسه با دیگر منابع تاریخی، ارزش و اعتبار به مراتب بیشتری دارند و با اهداف خاص تاریخ‌نگاری تولید نشده‌اند، بر مبنای معرفت‌شناسی علم تاریخ رایج، فقدان اسناد دیوانی ادوار نخستین اسلامی، و عدم امکان استفاده از آنها در پژوهش‌های مربوط به این قرون، خواه‌ناخواه، ارزش نظریه‌ها، قضاوت‌ها، و داوری‌های تاریخ‌پژوهان درباره مسائل مختلف مربوط به آن را، به خصوص اگر تنها بر مبنای تواریخ رسمی ارائه شده باشند، به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. بر این اساس، در پذیرفتن این نظریه‌ها و داوری‌ها، باید کمال احتیاط را در نظر داشت. علاوه بر این، توجه به عوامل فقدان اسناد دیوانی از ادوار نخستین اسلامی و پیامدهایی که این فقدان به همراه داشته، اهمیت و ضرورت توجه ویژه به امر گردآوری، حفظ و نگهداری اسناد اداری کنونی را یادآور شده و این نکته را مورد تأکید قرار می‌دهد که نهادها و سازمان‌های مسئول در کشور، باید بیش از پیش به امر گردآوری و حفظ اسناد اهتمام داشته باشند تا از این رهگذر آیندگان از این دسته از منابع مهم تاریخی بی‌بهره نباشند.

کتابنامه

- آل داود، علی (۱۳۸۱، پائیز). *ویژگی های هنری اسناد تاریخی ایران*. نشر دانش، ۱۰۵، ۵۶-۵۷.
- ایمن فؤاد سید (۲۰۰۷). *تاریخ الدولة الفاطمیة فی المصر تفسیر جدید*. القاهرة: هیئة المصریة العامة للكتاب.
- ابن اثیر، عزالدین أبو الحسن (۱۳۸۵/۱۹۶۵). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دار صادر.
- ابن الصیرفی، ابوالقاسم علی (۱۹۹۰). *القانون فی دیوان الرسائل و الاشارة الی من نال الاوزارة* (ایمن فؤاد سید، ۲۰۰۷، محقق). القاهرة: دار المصریة اللبنانیة.
- ابن الطقطقی، محمد بن علی بن طباطبا (بی تا). *الفخری فی الآداب السلطانیة و الدول الاسلامیة*. بیروت: دار صا.
- ابن واصل، جمال الدین محمد بن سالم (۱۹۵۳). *مُفَرَّجُ الْکُرُوبِ فی أخبار بنی آیوب* (تحقیق جمال الدین الشیال). القاهرة: بی تا.
- أبو شامة، شهاب الدین عبدالرحمن (۱۴۲۲/۲۰۰۲). *الروضتین فی اخبار الدولتین النوریة و الصلاحیة*، (ابراهیم شمس الدین، محقق). بیروت: دارالکتب العلمیة.
- اجتهادی، ابوالقاسم (۱۳۶۳). *بررسی وضع مالی و مالیة مسلمین از آغاز تا پایان دوره اموی*. تهران: سروش.
- استفورد، مایکل (۱۳۸۲). *درآمدی بر فلسفه تاریخ* (احمد گل محمدی، مترجم). تهران: نشر نی.
- _____ (۱۳۸۴). *درآمدی بر تاریخ پژوهی* (مسعود صادقی، مترجم). تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، سمت.
- اشپولر، برتولد (۱۳۷۹). *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی* (ج ۶). (جواد فلاطوری، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.
- افشار، ایرج (۱۳۸۲، بهار و تابستان). پیوستگی منابع کتابی و کتاب های. *پژوهش حوزه*، ۱۴ (۱۳ و ۱۴)، ۱۳۷-۱۴۳.
- _____ (۱۳۶۰، آبان). اسناد تاریخی در ایران. *آینده*، ۷ (۸)، ۵۷۶-۵۸۷.
- انوری، (۲۵۳۵). *اصطلاحات دیوانی در دوره غزنوی و سلجوقی*. تهران: کتابخانه طهوری.
- باسورث، کلیفورد (۱۳۷۸). *تاریخ غزنویان* (ج ۲). (حسن انوشه، مترجم). تهران: امیر کبیر.
- بغدادی، محمد بن مؤید بهاء الدین (۱۳۸۵). *التوسل الی الترسل* (احمد بهمینار، مصحح). تهران: اساطیر.
- بلاذری، أبو الحسن أحمد بن یحیی (۱۹۸۸). *فتوح البلدان*. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- بوسه، هربرت (۱۳۶۷). *پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی* (غلامرضا ورهرا، مترجم). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۲۴). *تاریخ بیهقی* (علی اکبر فیاض، مصحح). تهران.
- تاوانی، خوربه (۱۳۶۳). *در جستجوی سندیت. پیام یونسکو*، ۱۶.
- تسیه، ژرژ (۱۳۷۰). *علم مطالعه در فرامین و اسناد. روش های پژوهش در تاریخ* (شارل ساماران، زیر نظر). (مهدی علائی حسینی، مترجم). مشهد: آستان قدس رضوی.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۷۰). *نگاهبانی اسناد و تاریخ نویسی میان ایرانیان. آینده*، ۱۷، ۹-۱۲.
- ثعالی، ابومنصور عبدالملک (۱۸۶۷). *لطائف المعارف* (پ. دخویه، محقق). بریل.
- جاحظ (۱۴۲۳). *رسائل الجاحظ* (السیاسیة). بیروت: دار و مکتبه هلال.



- جهشپاری، ابو عبدالله (۱۳۵۷/۱۹۳۷). *کتاب الوزراء و الكتاب* (عبدالله الصاوی، محقق). بغداد: المكتبة العربية.
- جوینی، علاء‌الدین عطاملک (۱۳۸۵). *تاریخ جهانگشای* (ج ۴). (محمد قزوینی، مصصح). تهران: دنیای کتاب.
- خوارزمی، محمد بن احمد (۱۴۰۹/۱۹۸۹). *مفاتیح العلوم* (ابراهیم الایاری، محقق). بیروت: دارالکتاب العربی.
- خوله شاکر الدجیلی (۱۳۷۹). *بیت المال پیدایش و تحولات آن* (سید محمد صادق عارف، مترجم). مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- چوکسی، جمشید کرشاسب (۱۳۸۵). *ستیز و سازش* (ج ۳). (نادر میرسیدی، مترجم). تهران: ققنوس.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله (۱۳۴۹). *جغرافیای حافظ ابرو* (قسمت ربع خراسان). (نجیب مایل هروی، کوششگر). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- حمیدالله، محمد (۱۳۷۴). *نامه‌ها و پیمانهای سیاسی حضرت محمد، اسناد صدر اسلام* (محمد حسینی، مترجم). تهران: سروش.
- دفتری، فرهاد (۱۳۷۵). *تاریخ و عقاید اسماعیلیه* (فریدون بدره‌ای، مترجم). تهران: فرزانه روز.
- دن، آلفونس (۱۳۷۰). اسناد و شواهد کتبی و فیلولوژی. *روش‌های پژوهش در تاریخ* (شارل ساماران، زیر نظر). (اقدس یغمایی، مترجم). مشهد: آستان قدس رضوی.
- راوندی، محمد بن علی (۱۳۶۴). *راحة الصدور و آية السرور* (ج ۲). (محمد اقبال و مجتبی مینوی، مصصحان). تهران: امیرکبیر.
- رابینسن، چیس اف (۱۳۸۹). *تاریخ نگاری اسلامی* (مصطفی سبحانی، مترجم). تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- الریس، ضیاء‌الدین (۱۳۷۳). *خراج و نظام‌های مالی دولت‌های اسلامی* (فتحعلی اکبری، مترجم). اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳). *تاریخ ایران بعد از اسلام* (ج ۱۰). تهران: امیرکبیر.
- سجادی، صادق؛ عالم‌زاده، هادی (۱۳۸۰). *تاریخ نگاری در اسلام* (ج ۲). تهران: سمت.
- سزگین، فؤاد (۱۳۸۰). *تاریخ نگارش‌های عربی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- سواژه، ژان (۱۳۶۶). *مدخل تاریخ شرق اسلامی* (نوش آفرین انصاری، مترجم). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله (۱۳۷۹). درآمدی بر صلح‌نامه‌های مسلمانان با ایرانیان در آغاز فتح ایران. *فصلنامه تاریخ اسلام*، ۱(۲)، ۵۰-۱۱۹.
- طبری، أبو جعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷/۱۹۶۷). *تاریخ الأمم و الملوک* (محمد أبو الفضل ابراهیم، محقق). بیروت: دار التراث.
- عبدالجبار عبدالمؤمن (۱۳۸۳، آذر). انتقال نسخ خطی عربی به کتابخانه‌های اروپایی و آمریکایی (حسین علی نقیان، مترجم). *کتاب ماه کلیات*، ۸۴، ۳۶-۴۹.
- عراقی فدایی، غلامرضا (۱۳۷۷). *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشویی*. تهران: سمت.

- قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۴۵). اسناد و نامہ‌های تاریخی. *بررسی‌های تاریخی*، ۱(۵)، ۲۷۱-۳۰۲.
- _____ (۱۳۵۰). *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*. تهران: انجمن ملی آثار ملی.
- قدامة بن جعفر، (۱۹۸۱). *الخراج و صناعة الكتابة*. بیروت: دار الرشید للنشر.
- قلقشندی، شهاب‌الدین (۱۹۳۸). *صیح الأعشى فی صناعة الإنشاء*. القاهرة: دارالکتب المصریة.
- کار، ئی. ایچ. (۱۳۸۸). *تاریخ چیست؟* (ج ۵). (حسن کامشاد، مترجم). تهران: خوارزمی.
- کاهن، کلود (۱۳۷۹، پائیز). تاریخ و مورخان اسلامی تا پایان دوران عباسی (شهلا بختیاری، مترجم). *فصلنامه تاریخ اسلام*، ۱(۱)، ۱۴۱-۱۹۵.
- _____ (۱۳۷۰). *درآمدی بر تاریخ اسلام در قرون وسطی* (اسدالله علوی، مترجم). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ماوردی، ابوالحسن علی (۱۹۸۹/۱۴۰۹). *الاحکام السلطانیة و الولايات الدینیة* (احمد مبارک البغدادی، محقق). کویت: مکتبة دار ابن قتیبة.
- متر، آدام (۱۳۷۷). *تمدن اسلامی در قرن چهارم* (ج ۳). (علیرضا ذکاوتی قراگزلو، مترجم). تهران: امیر کبیر.
- محیط طباطبایی، سیدمحمد (۱۳۴۶، تیر-شهریور). دادگستری در ایران از انقراض ساسانی تا ابتدای مشروطیت. *وحید*، ۷-۹.
- مقریزی، تقی‌الدین ابوالعباس (۱۹۷۳). *اتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء* (ج ۳). (محمد حلمی محمد احمد، محقق). قاهره، بی‌نا.
- _____ (۱۴۱۸). *المواعظ و الاعتبار بذكر الخط و الآثار معروف به الخطط* (خلیل المنصور، محقق). بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مکی، محمد کاظم (۱۳۸۳). *تمدن اسلامی در عصر عباسیان* (محمد سپهری، مترجم). تهران: سمت.
- منتجب‌الدین بدیع، علی بن احمد (۱۳۸۴). *عتبة الکتبة*. تهران: اساطیر.
- منفرد، افسانه (۱۳۸۲، فروردین و اردیبهشت). اسناد جنیزه. *کتاب ماه دین*، ۶۶ و ۶۷، ۵-۹.
- مهدیزاده، مهدی (۱۳۷۹، اسفند؛ ۱۳۸۰، فروردین). ثبت اسناد در دوران آغازین اسلامی. *ماهنامه کانون*، ۴۵(۲۳)، ۴۷-۵۵.
- نخجوانی، محمد بن هندوشاه (۱۹۷۶). *دستور الکاتب فی تعیین المراتب* (عبدالکریم علی اوغلی علی زاده، مصحح). مسکو: فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان.
- واکر، یل ای. (۱۳۸۳). *پژوهشی در یکی از امپراتوری‌های اسلامی تاریخ فاطمیان و منابع آن* (فریدون بدره‌ای، مترجم). تهران: فرزانه روز.
- یزدانی، علی اکبر (۱۳۸۰، بهمن). برگ‌های گویا (اسناد تاریخی و دلایل ارزشمندی آن در مقایسه با سایر نوشته‌های تاریخی). *پیام بهارستان*، ۹.
- یاقوت حموی، شهاب‌الدین (۱۹۹۵). *معجم البلدان*. بیروت: دارصادر.
- _____ (۱۹۹۱/۱۴۱۱). *معجم الادباء*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- Duri, A. A., (1991). *DIWAN. Encyclopaedia of Islam* (vol. II). (New Edition). Leiden: E. J.Brill.



- Duri,(1986). BAGHDAD. *Encycloepadia of Islam*(vol. I). (New Edition). Leiden: E. J.Brill.
- Robson, J.(1997). ISNAD. *Encycloepadia of Islam* (vol. IV). (New Edition). Leiden: E. J.Brill.
- _____ (1986). HADITH. *Encycloepadia of Islam* (vol. III). (New Edition). Leiden: E. J.Brill.
- _____ (1991). AL-DJARH WAL-TA'DIL. *Encycloepadia of Islam*(vol. II). (New Edition). Leiden: E. J.Brill.
- Rosenthal, Franz(1968). *A History of Muslim Historiography*. (second revised edition). Leiden: E. J. Brill.

